

رویدادهای کلاس درس

پاسخ‌های هوشمندانه به واکنش‌های دانش‌آموزان

اشاره

من و هم‌کلاسی‌هایم در پایه هفتم در هر روز، شش کلاس با شش معلم داشتیم. پنج تا از کلاس‌ها را به بازی گوشی می‌گذراندیم، ولی در ششمین کلاس، دقیق، فعال و سازنده بودیم. چه چیزی این تفاوت را ایجاد کرده بود؟ این که ما در این کلاس، به مدت یک ساعت معلمی خلاق داشتیم.

ترجمه و تلخیص:
طیبه الدوسی

از این راهبردها در چه زمانی و برای چه دانش‌آموزانی مؤثرند. معلمان خلاق، اطلاعات را بخش بخش می‌کنند تا بتوانند با دانش‌آموزان ارتباط برقرار کنند، در حالی که معلمان مبتدی این کار را نمی‌کنند و به سرعت واقعیت‌های متفاوت را به هم ربط می‌دهند و نتیجه می‌گیرند. اگر در حین آموزش، از نشانه‌هایی که دانش‌آموزان برای ما می‌فرستند، با آغوش باز استقبال کنیم، آن‌ها چگونه تدریس کردن را به ما نشان خواهند داد.

فرا تراز «دانستن، گفتن و کنترل کردن»
بدیهی است که والدین طالب معلم خوب هستند، ولی هنوز هم نسبت به آنچه که معلم خوب انجام می‌دهد، ساده‌نگر هستند. همه انتظار دارند معلم موضوعی را که تدریس می‌کند، خوب بداند و برای بچه‌ها خوب توضیح دهد و نظم و ترتیب را حفظ کند. خلاصه این که: بدانند، بگویند و کنترل کنند. اما باید در نظر داشته باشیم که تدریس فعالیتی چند بعدی است. معلمان، دانش‌آموزان را

مناسب انتخاب می‌کنند و جریان یادگیری را به آسانی پیش می‌برد. باید توجه کرد که در موقع آموزش، بعضی اتفاقات دور از انتظار نیست و ممکن است بسیاری از معلمان برای مقابله با رویدادهای جدید، آمادگی قبلی نداشته باشند. همواره در کلاس درس، اتفاقاتی مانند طرح یک سؤال، تعبیر یا قیاسی پیش می‌آید که قابل پیش‌بینی نیست. در این گونه موارد، پاسخ‌های مناسب و خلاق معلمان، بازتابی از نتیجه سال‌ها فعالیت آموزشی است که به صورت گنجینه‌ای از تجارب آموزشی در وجودشان نهادینه شده‌اند.

معلمان کارآمد بنا بهره‌گیری از اندوخته غنی راهکارها می‌توانند به شناسایی موقعیت‌ها و شرایط بپردازند.

بنابراین، معلمانی که به‌طور مستمر به تجربیاتشان می‌اندیشند، سرانجام می‌توانند به سطح خلاق برسند. یعنی آن‌ها ذخیره وسیعی از راهبردهای تدریس و پاسخ‌های ممکن را در ذهن دارند و می‌توانند به موقع تشخیص دهند که کدام یک

معلم خلاق، آموزش خلاق، آموزش اثربخش و کارآمد، بدیهه‌گویی.



آموزش خلاق چیست؟

در توصیف آموزش خوب، من واژه خلاق را به واژه اثربخش ترجیح می‌دهم. آموزش خلاق از سه ویژگی خاص برخوردار است:

۱. معلم درک عمیقی نسبت به موضوعی که قرار است آموزش دهد، دارد. معلم خلاق به جزئیات کوچک ولی مهم، مغایرت‌ها و همه نکات ظریف درس‌ها اشراف دارد. ۲. ذهن معلم خلاق سرشار از راهکارهای آموزشی است که هر یک از آن‌ها برای او قابل قبول است. بنابراین، انتخاب یکی از رویکردهای مفید از میان چندین رویکرد، ساده است و او می‌تواند آن را بلافاصله با درس جدید هماهنگ کند؛ ۳. معلم خلاق، دانش‌آموزان، موقعیت‌ها و واکنش‌ها را تشخیص می‌دهد، پاسخ‌های

معلم خلاق به جزئیات کوچک، ولی مهم درس‌ها اشراف دارد؛ ذهن معلم خلاق سرشار از راهکارهای آموزشی است

مشاهده می‌کنند، با آن‌ها حرف می‌زنند، مطالب را توضیح می‌دهند و فعالیت‌ها را تسهیل می‌کنند. این کار را گاهی به‌طور هم‌زمان و گاهی همان‌طور که در درس پیش می‌روند، انجام می‌دهند. گرچه دانستن، گفتن و کنترل کردن در رفتارهای تدریس مهم هستند، ولی این‌ها همه ابعاد آموزش نیستند، زیرا رفتارهایی مانند دانستن، گفتن و کنترل کردن در تدریس، یک اصل مهم و مشترک دارند؛ هر سه آن‌ها غالباً رفتارهای ارسالی هستند. گرچه دانستن یک مطلب به‌طور کامل، رفتار ارسالی به‌نظر نمی‌رسد، اما معلمان در کلاس درس از دانش قبلی خود، مانند سرمایه یا ابزار استفاده می‌کنند. آن‌ها این اطلاعات را زیر و رو می‌کنند و دانش مناسب‌تر را برمی‌گزینند تا پیام‌های آن را برای دانش‌آموزان بفرستند. وقتی مطلبی را می‌گوییم، به‌طور واضح اطلاعاتی را بیرون می‌فرستیم. وقتی که کلاس را اداره می‌کنیم، زمان زیادی را برای اعلان قوانین و نتایج صرف می‌کنیم. حتی وقتی معلم از دانش‌آموزی به‌خاطر رفتارهای غیرمنتظره‌اش توضیح می‌خواهد، معمولاً انتظار دارد

که از او خلاصه‌ای کوتاه و پوزش طلبانه را بشنود. دربارهٔ مهارت برقراری ارتباط، معلمان غالباً «دریافت» را که نیمهٔ دیگر ارتباط است، فراموش می‌کنند. ما مرتب پیام‌ها را می‌فرستیم و انتظار داریم دانش‌آموزان آن را به‌طور واضح دریافت کنند، ولی نمی‌توانیم

بفهمیم که آیا دانش‌آموزان این پیام‌ها را دریافت و آن‌را درک کرده‌اند، مگر این که به‌دنبال واکنش آن‌ها باشیم و بازخورد را جویا شویم. به همان اندازه که دانش‌آموزان به پیام معلم نیاز دارند، ما معلمان هم به پیام آن‌ها نیاز داریم. هر رفتار دانش‌آموز، حاوی پیامی برای معلم است. علاوه بر بازخورد رسمی، دانش‌آموزان صدها پیام دیگر را که احتمالاً پیام‌های تصادفی نامیده می‌شود، برای ما می‌فرستند: مانند حالات چهره، نشانه‌های غیرکلامی، حرکات بدنی، و رفتارها و پاسخ‌هایی که شکاف بین دانسته‌ها و ندانسته‌ها را آشکار می‌کنند.

فعالیت‌هایی مانند صحبت کردن یا انضباط بچه‌ها قابل مشاهده هستند، ولی آنچه معلم می‌شنود و فکر می‌کند، نامرئی است. با وجود این، آنچه یک معلم به عنوان واکنش دانش‌آموزان دریافت می‌کند، می‌تواند نشانه‌ای از توانمندی او در تدریس باشد. در واقع، به‌هنگام آموزش، توجه به چهار مهارت به‌منظور

معلمان کارآمد با

بهره‌گیری از اندوخته

غنی راهکارها

می‌توانند به شناسایی

موقعیت‌ها و شرایط

بپردازند

گرچه دانستن، گفتن و کنترل کردن در رفتارهای تدریس مهم هستند، ولی این‌ها همه ابعاد آموزش نیستند

دریافت واکنش از دانش‌آموزان، بسیار مهم است؛ این چهار مهارت عبارت‌اند از: ۱. تفسیر وقایع جاری؛ ۲. حساس بودن نسبت به موقعیت کلاس درس؛ ۳. آزمودن فرضیه‌ها؛ ۴. بدیهه‌گویی.

تفسیر وقایع جاری کلاس درس

در هر کلاسی، خواه ۱۳ دانش‌آموز و خواه ۳۶ دانش‌آموز حضور داشته باشند، تعداد زیادی از آن‌ها لحظه به لحظه راه خودشان را می‌روند. هر دانش‌آموز و معلم، مدام در حال انجام دادن، فکر کردن و احساس کردن چیزهایی است که ممکن است باعث پیشرفت یادگیری بشود یا نشود.

وقتی معلمان کم‌تجربه صحنه کلاس درس را مشاهده می‌کنند، احتمالاً خیلی از اطلاعات مفید را از دست می‌دهند. آن‌ها ممکن است نگرشی تک بعدی را تجربه کنند و در یک لحظه، فقط روی یک گوینده یا شنونده متمرکز شوند، گاهی هم ممکن است در چرخه فعالیت‌های کلاسی غرق شوند و برای مداخله در آن فعالیت‌ها احساس ناتوانی کنند. معلمان کم‌تجربه نمی‌توانند جزئیات کلاس درس را که به یادگیری مربوط می‌شوند، از هم تفکیک کنند. آن‌ها به جای این‌که هر اتفاقی را به‌عنوان بخشی از الگوی کلی و ارزشمند آموزش مورد توجه قرار دهند، هر یک را مجزا در نظر می‌گیرند. آن‌ها در پاسخگویی به جزئیات و سرنخ‌هایی که باید توجه کنند، مهارت اندکی دارند. بدین ترتیب، آن‌ها درس‌هایشان را بدون هیچ‌گونه انعطافی ادامه می‌دهند. خوش‌بختانه، معلمان کم‌تجربه

هم می‌توانند پیشرفت کنند. با وجود این برای این‌که معلمان تا حد ممکن اثربخش باشند، باید توانایی خود را با ظرافت بیشتری برای تفسیر خیلی از وقایع کلاس درس و پاسخگویی مطابق با آن، توسعه دهند.

معلم خلاق، به هنگام آموزش، در عین توجه به وقایع کلاس درس، روی درس تمرکز می‌کند، با دانش‌آموزان گفت‌وگو و میزان یادگیری آن‌ها را ارزیابی می‌کند. مثلاً، اگر او مشکلی را از طرف دانش‌آموزی احساس کند که ممکن است موجب اختلال در یادگیری شود، به او نزدیک می‌شود و دستش را روی شانه دانش‌آموز می‌گذارد، یا سرش را سریع تکان می‌دهد، و یا ضربه‌ای روی میز می‌زند و ... بدون این‌که جریان تدریس را قطع کند.

یکی از نشانه‌های مهم معلم خلاق، درک موقعیت و شرایط کلاس است. او دقیقاً رفتار و نوع تدریسی را ارائه می‌دهد که دانش‌آموزان به آن نیاز دارند. بنابراین، تدریس خلاق فعالیتی کاملاً تعاملی است و هیچ طرح درسی نمی‌تواند پاسخ لحظه به لحظه فعالیت معلم خلاق در کلاس درس باشد.

حساس بودن نسبت به موقعیت کلاس درس

هنگام آموزش، آگاهی از موقعیت کلاس بسیار ضروری است. معلمان خلاق لازم است که درباره نگرش‌ها و رفتارهای دانش‌آموزان، الگوهای موجود در مدرسه، ویژگی‌ها و واکنش‌های آشکار آن‌ها اطلاعاتی به‌دست آورند. آن‌ها به هنگام تدریس از این اطلاعات استفاده می‌کنند تا بتوانند ارتباط بهتری را با دانش‌آموزان

برقرار کنند.

به‌طور کلی، معلم خلاق، کنجکاو است و اطرافش را خوب بررسی می‌کند، با اعضای جامعه در تعامل است و شاید با دانش‌آموزان رفت‌وآمد خانوادگی هم داشته‌باشد. او نیازهای دانش‌آموزان ناتوان را بررسی و رویکردها را مرور می‌کند تا بتواند به این دانش‌آموزان کمک کند. از ویژگی‌ها، سرگرمی‌ها و علاقه‌های دانش‌آموزان یادداشت برمی‌دارد تا مطمئن شود هیچ‌کس از قلم نیفتاده‌باشد. نتیجه نهایی این‌که معلم خلاق، همیشه پاسخ‌گوی همه مسائل موقعیتی ساده و پیچیده‌ای است که ممکن است از چشم معلمان تازه‌کار پوشیده بماند.

آزمودن فرضیه‌ها

معمولاً دو نوع فرضیه در ذهن بیشتر معلمان پرورانه می‌شود: نوع اول فرضیه‌ها آگاهانه‌اند؛ مانند: اگر من این روش تدریس را امتحان کنم، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ اگر از این روش استفاده کنم، اطلاعات جمع می‌کنم و می‌فهمم این روش تا چه حد کاربرد دارد. به هر حال، خواه فرضیه درست باشد یا غلط، معلم مقداری اطلاعات مفید به‌دست می‌آورد.

نوع دوم فرضیه‌ها، ناآگاهانه است: معلم با اطمینان قبول می‌کند که فراگیرندگان در این درس ناتوان هستند. بنابراین، از آن‌ها سؤال نمی‌کند. در این مورد، معلم حتی فرضیه را به‌عنوان حدسی که باید امتحان شود، تلقی نمی‌کند؛ او تصور خود را یقین می‌داند و مطابق با آن عمل می‌کند.

معلمان کم‌تجربه دقیقاً همین کار

را می‌کنند. آن‌ها به ندرت به روش‌هایی فکر می‌کنند که بتوانند طرح درس روزانه خود را تغییر دهند، چه رسد به این‌که درباره روش‌های جدید برای ارتقای یادگیری فرضیه‌ای را مطرح کنند. راه‌حل‌های پیشنهادی آن‌ها احتمالاً سطحی هستند و به ندرت مورد آزمایش می‌شوند.

در عوض، معلمان خلاق درباره هرکاری که انجام می‌دهند، از دانش آموزان سؤال می‌کنند و با توجه به اهداف آموزشی، دستورالعمل‌های گوناگون به وجود می‌آورند. آن‌ها در طی هر درس، به دقت به پاسخ دانش آموزان توجه می‌کنند و اگر لازم باشد حتی در میان درس، متناسب با نیازهای دانش آموزان، رفتار خود را تغییر می‌دهند و بعد از آموختن راه‌های گوناگون، روش تدریس خود را پربار و متناسب می‌سازند.

و جریان آموزش را به طور طبیعی ادامه می‌دهند.

معلمان برجسته همواره به دنبال اطلاعات بیشتر هستند. هنگام درس، به واکنش، عکس‌العمل و اطلاعات قبلی دانش آموزان فکر می‌کنند و سعی می‌کنند بین درس و عکس‌العمل دانش آموزان رابطه‌ای پیدا کنند. مثلاً معلم به هنگام آموزش درس مربوط به گیاهان، از واکنش دانش آموز می‌فهمد که پدربزرگ او باغبان بوده است و این آگاهی باعث می‌شود که مفاهیم گوناگون و تازه‌ای در کلاس مطرح شود.

معلمان بدبینه گوی مسلط، همواره اهداف آموزشی را در ذهن خود نگه می‌دارند و از همه فرصت‌ها و رویدادهای کلاس درس به جا و به گونه‌ای اثربخش بهره می‌برند.

نتیجه

آن‌چه معلم را از ناآگاهی به آگاهی و پختگی می‌رساند و او را توانا و خلاق می‌کند، ذهن کنجکاو، علاقه و عطش زیاد او به یادگیری مستمر است. در عین حال، به این نکته بسیار مهم باید توجه کرد که معلم خوب و برجسته، همواره در حال یادگیری از کتاب، کلاس درس، همکاران، رسانه‌ها، مدیر مدرسه و حتی دانش آموزان است. او می‌داند که رویدادهای کلاس درس غالباً غیرمنتظره و بدون پیشینه هستند و پاسخ‌گویی به آن‌ها مستلزم دانش، تدبیر، تجربه و ابتکار است. در واقع، بدون ذکاوت و ذخیره راهکارها و فنون متنوع آموزشی، معلم نمی‌تواند در مواجهه با رویدادهای غیرمنتظره کلاس از خود **خلاقیت** نشان دهد.

پی‌نوشت.....
* سخن یا اندیشه‌ای که ناگهانی به ذهن برسد.

منابع.....
1. Steel, Carol Frederick (2010/2011), The Effective Educator: Inspired Responses, Educational Leadership, 68(4), 64-68.

۲. ساتنراک، جان دبلیو. روان‌شناسی تربیتی. ترجمه شاهده سعیدی، مهشید عراقچی و حسین دانش‌فر. انتشارات رسا. تهران. ۱۳۸۷.

بدبینه‌گویی*

معلمان مبتدی کار آموزش را به طور معمولی انجام می‌دهند، البته این بدبینه‌گویی نیست. اما معلمان تازه‌کار، با زحمت زیاد برنامه‌ریزی می‌کنند. آن‌ها برای اجرای برنامه سخت می‌کوشند تا وظیفه خود را بهتر انجام دهند. متأسفانه آن‌ها انعطاف‌پذیر نیستند و نمی‌توانند متناسب با شرایط کلاس رفتار کنند؛ در نتیجه، رویدادهای غیرمنتظره آن‌ها را سردرگم و یا مایوس می‌کند. معلمان تازه‌کار در برابر انواع تغییرات و رویدادهای کلاس مقاومت می‌کنند و در نتیجه، غالباً جریان آموزش را متوقف می‌سازند. در حالی که معلمان خلاق، به سرعت موقعیت کلاس را بررسی می‌کنند و از امکانات بالقوه موجود در کلاس استفاده می‌کنند

همه چیز رایانه نیست

تصویر و تفسیر ۱- مهر ۱۳۹۰

برداشت اول: همه چیز رایانه نیست، گرچه در عصر فناوری و تکنولوژی زندگی می‌کنیم. اما تکنولوژی به تنهایی نیازهای ما را برآورده نمی‌کند. این ما هستیم که به رایانه برنامه می‌دهیم. اطلاعات همه در کتاب‌ها موجودند و ما (انسان‌ها) از روی کتاب‌ها و اندیشه خود، سایت‌ها و برنامه‌های رایانه را غنی می‌کنیم. پس علم و تکنولوژی با هم به کمک می‌آیند.

برداشت دوم: اگر بخواهی اندیشه‌ات را با علم ورزیده کنی، آن‌گاه از کتاب شروع می‌کنی، در اینترنت جست‌وجو می‌کنی و تمرینات و نیازهای مفید ذهن و اندیشه‌ات را می‌بلی. و پس از هر سفر بازمی‌گردی و در مدرسه مأوایی می‌گزینی و نهایتاً در مدرسه یاد می‌دهی و یاد می‌گیری!



طاهره اسدی
آموزگار منطقه ۳ تهران

